

متن کامل نامه سوگشاده ۱۳۴ نویسنده

ما نویسنده ایم.
اما مسایلی که در تاریخ معاصر در
جامعه ما و جوامع دیگر پدید آمده، تصویری
را که دولت و بخشی از جامعه و حتی برخی
از نویسنده‌گان از نویسنده دارند، مخدوش
کرده است، و در نتیجه هویت نویسنده و
ماهیت اثرش و همچنین حضور جمعی
نویسنده‌گان دستخوش برخورددهای نامناسب
شده است.

از این رو ما نویسنده‌گان ایران وظیفه
خود می‌دانیم برای رفع هرگونه شباهه و
توهم، ماهیت کار فرهنگی و علت حضور
جمعی خود را تبیین کنیم.

ما نویسنده ایم، یعنی احساس، تخیل،
اندیشه و تحقیق خود را به اشکال مختلف
می‌نویسیم و منتشر می‌کنیم. حق طبیعی و
اجتماعی و مدنی ماست که نوشتۀ مان- اعم
از شعر یا داستان، نمایشنامه یا فیلم‌نامه،
تحقیق یا تقدیم و ترجمه آثار دیگر نویسنده‌گان
جهان- آزادانه و بی هیچ مانع به دست
مخاطبان برسد. ایجاد مانع در راه نشر این
آثار، به هر بهانه ای، در صلاحیت هیچ
کس، یا هیچ نهادی نیست. اگرچه پس از
نشر راه قضاوی و نقد آزادانه درباره آنها
برهمگان گشوده است.

ادامه در ص ۸

در دیگر صفحات:

درود به قهرمانان دلیر خلق
پله هناییت چهل هیلين سالگرد
تپریواران دوهیین و سوهیین
گروه از افسران تووو ای

ص ۳

مهاجرت وسیع روستاییان
به شهرها
همچنان ادامه دارد!

ص ۶

توطئه جدید رژیم علیه نیروهای اپوزیسیون

بر اساس گزارش‌های رسیده، با تشديد بحران اجتماعی، اقتصادی و سیاسی رژیم جمهوری اسلامی، سران حکومتی اختیارات ویژه‌ای را به وزارت اطلاعات، برای مقابله با رشد جنبش اعتراضی در درون کشور، و تشديد فعالیت احزاب و سازمان‌های سیاسی، داده‌اند. فلاحیان، وزیر اطلاعات از مدت‌ها پیش اعلام کرده بود که مقابله با "ضد انقلاب" در شرایط کنونی یکی از عمدۀ ترین برنامه‌های این وزارتتخانه است. از برگزاری مانورهای عظیم امنیتی با شرکت‌های هزار پاسدار و بسیجی مسلح در تهران و شهرهای دیگر کشور گرفته تا تشید جو سرکوب، برنامه عظیم تبلیغاتی برای بدنام کردن نیروهای سیاسی متفرق و تلاش در راه ایجاد تفرقه و انشقاق در صفوف این نیروها بخشی از برنامه‌های شومی است که توسط وزارت اطلاعات و ارگان‌های وابسته به آن در حال طرح ریزی و اجراء می‌باشد. بر اساس گزارش‌هایی که در چند ماه گذشته بدست مارسید، یکی از ترفندهای تازه وزارت اطلاعات، برای مقابله با "ضد انقلاب"، "حزب سازی" و ایجاد سازمان‌های مشکوک به قصد ایجاد شک و شباهه و ایجاد گیجی و سردرگمی و در انتها فلح کردن نیروهای اپوزیسیون است. ما این اعلام خطر در مورد "حزب سازی" جمهوری اسلامی را در گذشته ای نه چندان دور، در برخورد با جریان نشریه "راه توده" به این شکل مطرح کردیم: "... مانورهای مختلف رژیم در ماه‌های گذشته از دستگیری نویسنده‌گان، تا دعوت ایرانیان خارج از کشور به بازگشت به کشور و حتی طرح مسئله آزادی احزاب، توسط وزیر کشور و پخش شایعات مختلف راجع به قرب الوقوع بودن آزادی برخی از احزاب، از جمله "حزب توده" نشانگر این حقیقت است که

ادامه در ص ۷



شماره ۵۴، دوره هشتم
سال یازدهم، ۱۷ آبان ۱۳۷۳

آزادی در چارچوب رژیم "ولایت فقیه" ممکن نیست!

بحث پیرامون سرنوشت جمهوری اسلامی در کشور ما بالا گرفته است. حتی در حلقه رهبری حاکمیت نیز بحث پیرامون شرایط بسیار بحرانی و چگونگی حفظ جمهوری اسلامی بشدت در جریان است و اختلاف‌های موجود تعمیق می‌باشد. اگر بخواهیم یک تقسیم بنده کلی کرده باشیم، می‌توانیم طیف نیروهای سیاسی کشور را به دو جریان عمدۀ تقسیم کنیم. آنان که خواستار "حفظ"، "اصلاح"، "رفم" و یا "تصحیح رژیم" و لایت فقیه" هستند و آنان که معتقدند در چارچوب رژیم "ولایت فقیه" اصلاحات امکان پذیر نیست. حزب ما از مدت‌ها پیش مسئله طرد رژیم "ولایت فقیه" را به منابه شعار تاکتیکی خود در شرایط کنونی طرح کرده است و برای تحقق آن مبارزه می‌کند. ما معتقدیم رژیمی که اساس آن بر پایه اعمال نظر یک فرد، خارج از کنترل ارگانی قانونی بنا شده است، از اساس مخالف آزادی و هرگونه حاکمیت مردمی است و این تضاد، تضادی آشیانه ناپذیر می‌باشد، آزادی وعدالت با ارتتعاج از یک سو و استبداد و ظلم از سوی دیگر است. برای روشن تر شدن موضوع ابتداء لازم است اصل "ولایت فقیه" مورد مذاقه ادامه در ص ۲

زنده باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی، طرد باد رژیم «ولایت فقیه»!

به استقبال :

"انسان را دریابید" ای دست هایی که خانه آزادی را آراسته بودند به رغم ساطورهای خون چکان به رغم گل های سرین" احسان طبری

"آزادی، ای آزادی"

زمزمه ای دور کوش را نوازش می دهد
گویی صدای ریزش آب است بر سرک
و شاید
صدای کام نهادن است بر ماسه های نرم
و یا
صدای کفتکوبی کنک و میهم که،
سکوت سنتکنی را در هم می شکند.
و یا
بانکی است به روشنایی نور،
به تابناکی بلور،
و لطافت شبتم بر کلبرگ های بهار.
و شاید
نوری است
که همچون ذرات طلایی خورشید
بر پکاه خاکستری می تابد
و آغازی نوین را پشتارت می دهد.
راستی چیست آزادی
که از ما دریغش می دارند؟
چیست این واژه مقدس
که در اعماق زمین
به زنجیرش می کشند؟
و آنکه

مجسمه ای چوپین

بر جایش می نشانند
تا به زیارت آمدکان

سر بر آستان

پتی دروغین نهند.

در این بوران سرد و مرکب
به آسمان می نکرم

"یا در آن فراز کسی است؟"

ایا کسی صدای رنجور

فریاد های ما را می شنود؟

و آیا

"به رغم ساطورهای خون چکان
و به رغم گل های سرین"

خواهیم توانت خانه آزادی

را ببارشیم؟

زمزمه ای دور

کوش را نوازش می دهد

صدای کام هایی که نزدیک می شوند،

و نسیم سبکی که آهسته آهسته

از دامنه های سبزفام

و زیدن می کیرد.

ایا

این صدای پای آزادی است

که می شنوم؟

افسوس،

افسوس که نمی دانم.

که زمانی مسئولیت روزنامه رسمی رژیم و ارگان های سرکوبگران را را عهده دار بود، خیلی روشن پیرامون حیاتی بودن "ولایت مطلقه فقیه" برای رژیم، و در پاسخ به کسانی که این اصل را زیر مشوال می برند داد سخن داده و از جمله گفت: "از بدیهیات دینی و الهی است که مشروعيت حکومت اسلامی منبعث از خداوند و معیارهای قرآنی و اسلامی است و آنچه به آرای مردم بر می گردد مقبولیت یک حکومت است. اگر نظر این آقایان درست باشد (مخالفان) تیجه اش این می شود که اگر اکثریت مردم یک کشوری گفته باشد که ما یک حکومت لایک و غیر مذهبی می خواهیم، آن حکومت مشروع خواهد بود!".

یکی از مهمترین اصولی که حزب ما در منتشر پیشنهادی خود ("مشور آزادی") طرح کرد و همچنان بر آن اصرار می وزد، جدایی کامل دین از حکومت است. تجربه پانزده سال اخیر نشان داده است نمی توان در جهان امروز امور یک مملکت را بر اساس قوانینی گرداند که بیش از هزار سال پیش در شرایط کاملاً متفاوتی وضع گردیده اند. ما ضمن احترام عمیق به اعتقادات مذهبی مردم میهمانم، تغییر ساختار کنونی را از یک حکومت مذهبی به یک حکومت غیر مذهبی از پیش شرط های عده دستیابی به آزادی در ایران می دانیم. شعار طرد رژیم "ولایت فقیه"، شعار طرد "ولی فقیه" به مفهوم دیکتاتور مطلق العنان و حکومت متنکی بر آن است. چگونه می توان در شرایط شرایطی امید تحقق آزادی را داشت که اصولاً مردم از لحظ ساختاری از کوچکترین حقی برای تغییر "ولی فقیه" و یا قوانین و فرایمن وضع شده از سوی او برخوردار نیستند.

ما باز دیگر تاکید می کیم که تنها راه نجات کشور از شرایط اسفبار کنونی، ایجاد یک ائتلاف وسیع مردمی برای مبارزه در راه استقرار آزادی و عدالت اجتماعی در جامعه است. این ائتلاف وسیع و مردمی می تواند پایه های حکومتی ائتلاف ملی آینده ایران را نیز تشکیل دهد. به گمان ما امروز رژیم "ولایت فقیه" تمامی مشروعیت خود را که در آغاز انقلاب از طريق شرکت مردم در رفراندوم قانون اساسی دارا بود از دست داده است و این ساختار ضد مردمی و استبدادی دیر یا زود رفتی است. ابعاد فاجعه کنونی، اوضاع به شدت بترنج و نگران کننده منطقه، و تحولات منفی در کشورهای همسایه ما، از جمله شله و بودن جنگ های داخلی در افغانستان و جمهوری های سابق اتحاد شوروی، اوضاع بسیار نگران کننده ای را پیدا آورده است. اگر نیروهای متفرق از توانند، از هم اکون با توافق برس اصول مشخص جبهه واحدی را ایجاد کنند، با تشديد بیش از پیش بحران و از هم پاشیدگی هر چه بیشتر شیرازه امور از دست دولتمردان کنونی، امکان بروز فاجعه ای سهمگین، تقویت می گردد. حزب توده ایران به نوبه خود در راه ایجاد این ائتلاف وسیع و مردمی می کوشد و بقیه نیروها را به همکاری و همیاری در این عرصه فرا می خواند.

آزادی در چارچوب ...

بیشتر قرار گیرد. خمینی در کتاب "ولایت فقیه" اساس و ساختار این حکومت را چنین توضیح می دهد: "حکومت اسلامی حکومت قانون الهی بر مردم است ... شارع مقدس اسلام یگانه قدرت مقننه است. هیچکس حق قانونگذاری ندارد و هیچ قانونی جز حکم شارع را نمی توان به مورد اجرا گذاشت. به همین سبب در حکومت اسلامی بجای مجلس قانونگذاری ... مجلس برنامه ریزی وجود دارد که برای وزارت خانه های مختلف در پرتو احکام اسلام برنامه ترتیب می دهد...". "ولایت فقیه" به تعریف خمینی عبارت است از: "اگر فرد لایقی که دارای این دو خصیصت باشد پایاختاست و ششکل حکومت داد همان ولایتی را که حضرت رسول اکرم در امر اداره جامعه داشت دارا باشد، و بر همه مردم لازم است که از او اطاعت کنند..." (كتاب حکومت اسلامی، نوشته خمینی ص، ۵۹، ۶۳).

اساس چنین نظری، با کمال تاسف، در آغاز انقلاب در قانون اساسی کشور انعکاس یافت و کلیه قوانین و بندوهای قانون اساسی منوط به این اصل گردید. به عبارت دیگر، اگرچه در آغاز انقلاب، با توجه به حضور معنوی بسیار قوی چپ، از جمله حزب توده ایران اندیشه های متفرقی به بندوهای گوناگون قانون اساسی راه یافت، ولی این بندوهای و اصول هیچگاه، هیچ پشتوانه اجرایی نداشتند و از آنجاییکه این اصول متفرق مانند دفاع از حقوق زنان، مسئلله آزادی ها و حقوق دموکراتیک و مسئلله عدالت اجتماعی، با بسیاری از تفکرات واپسگرایانه "ولی فقیه" از همان آغاز در تضاد بود، پس از تصاحب انحصاری حاکمیت توسط روحانیت، این اصول نه تنها به مرحله اجراء در نیامدند، بلکه آشکارا و به خشن ترین شکل ممکن تقضی گردیدند. بودند نیروهایی که در سال های اخیر سخن از "انتخابات آزاد" در جمهوری اسلامی می زدند و امیدوار بودند که بخش هایی از حاکمیت به چنین خواستی به شکل داوطلبانه تن در دهند. تجربه جند سال اخیر نادرستی چین تصورات دور از واقعیات را برای تمامی نیروها، از جمله کسانیکه خود این شعارها را طرح می کردند، روش نموده است. تجربه مبارزه با حکومت های دیکتاتوری نشان داده، که استبداد نهنا در شرایط رشد جنبش های مردمی حاضر به گذشت های آنهم برای حفظ نقا خود است. بیاد بیارویم که در شرایط اوج گیری انقلاب بهمن بود که شاه پس از ۲۵ سال حکومت استبدادی ناگهان "صدای انقلاب مردم" ایران را شنید و سخن از تشکیل شورای "سلطنت" و حتی اعطای دولت به مخالفان نسبتاً "کم خطر" گرد. امروز تیز اوضاع مشابهی در حال شکل گیری است. همانطوریکه در مقابل با رژیم شاه مبارزه با "سلطنت" حلقة کلیدی را تشکیل می داد و مردم یک صد سخن از رفتن سلطنت راند، امروز نیز "ولایت فقیه" و مبارزه با آن حلقة اساسی پیکار با رژیم استبدادی کنونی را تشکیل می دهد. مران جمهوری اسلامی نیز با درک این واقعیت است، که دفاع از اساس "ولایت فقیه" را مهمترین حلقة دفاعی خود در مقابل نارضایتی مردمی می بیند. نصیری



بذر زرینی بود که در صفوف نیروهای مسلح کشور
ما پراکنده شد.

"نه، هراسی نیست

من هزاران بار تیرباران شده ام
و هزاران بار

دل زیبای مرا از دار آویخته اند
و هزاران بار

با شهیدان تمام تاریخ
خون جوشان مرا

به زمین ریخته اند
سرگذشت دل من، زندگی نامه انسانست

که لبی خون دوخته اند
زنده اش سوتخه اند

زنده اش سوتخه اند
و به دارش زده اند...".

دورد ییکران به دلاوران بیاک توده ای که
اسطور وار مرگ را پذیرا شدند. نام این بی
مرگان با خطوط زرین در دفتر مبارزات
آزادیخواهانه کثورما ثبت است. این رادمردان
تاریخ میهن سهمی شایسته و درخور عظمت
ایثارشان در اعتلای روحیه آزادگی و انساندوستی
به جای گذاشته اند، یاد پرافخارشان گرامی باد!

دروド به قهرمانان دلیر خلق

په ۴۴۰ هنایسپت چهل همین سالگرد تپریباران

دلوهیین و سوهیین گروه ۵ از افسران قوهد ای

"این خدا حافظی دسته جمعی شهیدان ملت در واپسین
روز زندگی خودمان است. نخست درود آتشین ما را
بپذیرید دیگر آنکه بدانید تا آخرین دم به خلق
وفدار ماندیم."

رفیق شهید سرگرد جعفر وکیلی

عطاریان
ها، ... راه
پرافتخار این
شهیدان خلق
را بی گرفند.
درخش پیکار
آنان نه تنها بر
زمین نماند،
بلکه دست به
دست و نسل
به نسل گشت و
اندیشه ها و
آرمان های این
سلحشوران

* رفیق شهید سرگرد محمد جلالی
* رفیق شهید سرگرد امیر اشار بکشلو
* رفیق شهید سرگرد جعفر وکیلی
* رفیق شهید ستوان یکم محمد واله
برای رژیم کودتا، نابودی افسران توده ای،
سازمان های حزب در درون کشور و بی اعتبار
کردن حزب توده ایران در میان کارگران و
زحمتکشان، پیش شرط اساسی ثبت استبداد و
غاراًت منابع ملی کشور توسط انحصارهای جهانی
ای بود که شاه را بر کشور ما مسلط کردند. برای
شاه و اربابانش در هم شکستن روحیه اسطوره ای
و پولادین این دلاوران بیاک، با همه خشونت و
درندگی آنها دست نیافتنی بود. هنگامی که به
رفیق شهید جعفر وکیلی اطلاع دادند حکم
اعدامش صادر شده است اما او می تواند از شاه
تفاضای بخاشیش کند، پاسخ داد: من جانم را در
راه میهن خود فدا می کنم. چطور ممکن است از
شاه که او را خائن به میهن گرامیم می دانم
تفاضای عفو کنم؟".

رفیق شهید سرگرد جمشیدی در دیدار با
خانواده اش گفت: "پیام مرا به رفقا بده. من را
خیلی شکنجه دادند. مرا با شلاق زدند. با باتون
زدند، با سیم خاردار مرا زدند، ولی من هیچ چیز
نگفتم. من از این چیزها نمی ترسم، چون ما قبول
کرده ایم تمام این چیزها را، و به راه خودمان
ادامه می دهیم، فقط کاری بکنید وکیلی هم قبرش
پهلوی قبر من باشد".

این افسران دلیر و میهن دوست، وفادار به
خلق و آرمان های والا و انسانی خیشان، با سری
افراشته و قلبی آکنده از عشق به میهن، جو خه
های مرگ را پذیرا شدند وستی پرافتخار را در
صفوف نیروهای نظامی کشورما پایه گذاری
کرdenد. سنتی که علی رغم دهه ها اختناق و
استبداد با پیروزی انقلاب بهمن دوباره شکوفه
زد و قهرمانان دلیری مانند افضلی ها، کبیری ها،

چهل سال
از اعدام دومین
و سومین گروه
از افسران توده
ای بدت رژیم
دست نشانده
۲۸ کودتای
مرداد می گذرد.
چهل سال پیش
جمعی از زبدہ
ترین، دلارترین
و میهن دوست
ترین افسران
ارتش ایران به
جوخه های

مرگ سپرده شدند تا خیال شاه و اربابانش از
خطر توده ای ها راحت گردد. اتفاقی نیست که
کودتای ایران، از میان تمامی نیروهای مختلف،
توده ای ها را پیگیر ترین مبارزان راه آزادی
تشخیص دادند و آتش سلاح های مرگبار خود را
متوجه آنان کردند.

نام این قهرمانان دلیر خلق که در آبان ماه
۱۳۳۳، با فریادهای تندر آسای "درود بر حرب
توده ایران" و "مرگ بر شاه" با سری افراشته و
دلی آکنده از مهر و عشق به مردم و میهن جان
باختند، چنین است:

گروه دوم افسران

* رفیق شهید سرگرد محمد رضا بهنیا
* رفیق شهید سرگرد غلامحسین محبی
* رفیق شهید سروان مصطفی بیانی
* رفیق شهید سروان حسین کلایی
* رفیق شهید سروان احمد مهدیان
* رفیق شهید سروان منصور کله‌ی
گروه سوم افسران
* رفیق شهید سرگرد کاظم جمشیدی

نشریه "جهان اسلام" نیز طی سرمهنه ایکی از شماره های اخیر خود نوشت: "ایالات متحده با آوردن نیروهای خود به نزدیکی مرزهای ج. ا. کوشش می کند که تهدیدات خود را جدی تر ابراز کند و حتی اگر لازم ببیند تا اقدام به عملیات ایذایی پیش خواهد رفت".

و روزنامه "کار و کارکر" نیز لشکر کشی جدید آمریکا به منطقه را "ستاره ای پلید امپریالیست ها مبنی بر کسترش نفوذ در منطقه و تنگ تر کردن محاصره علیه تهران" ارزیابی نمود.

آغاز دور جدید فعالیت "سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی"

نشریه "عصرما" به عنوان ارکان "سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی" و به سردبیری محمد سلامتی در تهران انتشار یافت. این سازمان با صدور اطلاعیه ای درباره انتشار نشریه مذکور گفت: "این سازمان به منظور طرح کسترهای تر موضع و دیدگاههای خویش در قبال مسایل جاری و رویدادهای مختلف در عرصه های سیاسی - اقتصادی و اجتماعی میهن اسلامی، ارتباط بیشتر با طرفداران و علاقمندان به سازمان و تماش نزدیک تر با جامعه سیاسی کشور اقدام به انتشار نشریه عصر ما کرد".

نگرانی سازمان عفوین الملل از رفتار دولت ترکیه با پناهندگان ایرانی

سازمان عفوین الملل با اعلام این خبر که یک پناهنده ایرانی به وضع مشکوکی در ترکیه به قتل رسیده است، نکرانی شدید خود را از تحويل ایرانیان پناهنده در آن کشور به رژیم جمهوری اسلامی، به دولت ترکیه اعلام کرد. این سازمان اعلام داشت که پس از امضای موافقتنامه امنیتی بین ایران و ترکیه، تاکنون دولت ترکیه عده زیادی از ایرانیان را که از طرف کمیسواری اعلی پناهندگان سازمان ملل متعدد در ترکیه، واجد شرایط دریافت پناهندگی شناخته شده اند، به دولت ایران تحويل داده است.

سازمان عفوین الملل همچنین اعلام داشت که "پناهندگان ایرانی در ترکیه، در شرایط بسیار بدی بسر می برند و مقامات مسئول در آن کشور رفتار ناشایستی با آنها دارند".



چند خبر کوتاه از آخرین اعتراضات دانشجویی

تهران: دانشجویان دانشکاههای "صنعتی شریف" و "علم و صنعت" طی تجمعاتی در محوطه های این دانشگاه ها نسبت به "مسئله مجلس و قانون بودجه سال ۷۳ در مورد اخذ هزینه دروس مردودی از دانشجویان" دست به اعتراض زدند.

تهران: در پی اخراج یکی از استادان پخش زبان های خارجی " واحد شمال" دانشگاه آزاد، دانشجویان در اعتراض به این امر در محوطه این دانشگاه دست به تظاهرات زدند.

همدان: طی روزهای آخر مهرماه، دانشگاه بوعلی سینا همدان شاهد اعتراض های دانشجویان بوده است، که در پی مورد به آسیب رساندن به ساختمان اداری دانشگاه منتهی می شود. آخرین اخبار رسیده حاکی است که تعدادی از دانشجویان توسط گزمه کان رژیم دستکش شده اند.

اصفهان: دانشجویان دانشکده اقتصاد دانشگاه اصفهان بدنبال تعطیل شدن "اطاق تلویزیون" دانشکده، دست به تظاهرات در محوطه دانشگاه زدند که به بازداشت تعدادی از آن ها منجر شد.

"موفق" توصیف کرد. وی افزود: "مسئلolan جمهوری اسلامی موافقت کردند که کمک های خود را به مردم کردستان عراق ادامه دهند". بارزانی ادعا نمود که "برای ارادی وظیفه و سپاسگزاری از دولت و ملت ایران در کمک به آوارگان کرد عراقی به جمهوری اسلامی سفر کرده است"، ولی وی در پخش دیگری از مصاحبه خویش تاکید کرد: "برای امنیت مرزهای جمهوری اسلامی با کردستان عراق ارزش بالایی قابل است" و افزود که اجازه نخواهد داد افرادی از طریق کردستان عراق مرزهای جمهوری اسلامی را تهدید کنند" و این مسئله به هیچوجه برای آنها "قابل قبول نیست".

هشدار "رادیکال" ها در مورد حضور نیروهای نظامی آمریکا در خلیج فارس

در حالی که خامنه ای و به تبع وی برخی از مسئولین بلندپایه رژیم، و وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی، حرکات بی سابقه اخیر آمریکا در منطقه خلیج فارس را "مشکوک" ارزیابی کرده اند، سخنگویان مختلف نیروهای مذهبی موسوم به "رادیکال" ها موضع مشخصی را در رابطه با این حرکات اتخاذ کرده اند.

احمد خمینی، که طی هفته های اخیر و پس از مدت‌ها خاموشی، به صحنه آورده شده است تا موضع تندی را بیویه برضد اوضاع نابسامان اقتصادی کشور بیان دارد، در یکی از سخنرانی های خویش، حرکات اخیر، قدرت های بزرگ در خلیج فارس را شیطنت آمیز "خواهد و افزود":

"این مسئله ای که رژیم سعودی و کویت ... پای امریکایی ها و قدرت های غربی را هر چه بیشتر به این منطقه حساس می کشانند باید با دقت تحت نظر باشد. احتمال دارد جزایر سه کانه را مورد تهاجم قرار دهند. یکی از فرضیات این است که آن ها می خواهند تصمیم خود را در جزایر سه کانه عملی کنند، اینجانب هشدار می دهم که حضور آمریکا در خلیج فارس تهدید امنیت ایران است، همه باید آماده دفاع باشیم".

حمایت "خبرنگاران بدون مرز" از کاریکاتوریست ایرانی

سازمان فرانسوی "خبرنگاران بدون مرز"، به مناسبت روز حمایت از منوچهر کریم زاده نکاران زندانی، به حمایت از منوچهر کریم زاده برخاست. نامبرده به "جرم" کشیدن کاریکاتوری در مجله "فاراد" توسط دادگاه انقلاب به ده سال زندان محکوم شد و هم اکنون در زندان بسر می برد. به دعوت سازمان مذهبی، کاریکاتوریست های مشهور فرانسوی، طرح هایی را در اعتراض به محکومیت منوچهر کریم زاده کشیده و به سفارت جمهوری اسلامی در پاریس فرستادند.

بازار افغانی : اجازه نمی دهیم امنیت ایران از طریق کردستان تهدید شود

مسعود بارزانی، رهبر حزب دموکرات کردستان عراق، پس از مذاکرات با مسئولین رژیم جمهوری اسلامی، از جمله ولایتی، در تهران طی مصاحبه ای این مذاکرات را تبسیار

در هر اس است. زیرا این امر می تواند منجر به مطروح شدن سوالاتی در مورد آینده جمعیت فلسطینی ساکن اردن گردد. بهمین دلیل اردن و اسرائیل عملای موضع تقریبا مشابهی در مورد سرنوشت خود مختاری فلسطینی در نوار غزه و کرانه غربی دارند. ملک حسین در مصاحبه ای با روزنامه پرتریاز اسرائیلی «یدیوت آهارانوت» آشکارا اعلام کرد: «عرفات هم مشکل ماست و هم مشکل شما». قاسم کیب، عضو سابق هیئت فلسطینی در مذاکرات صلح گفت: «این حقیقت که اسرائیل به توافقی با اردن رسیده است... عملای موضع اسرائیل را در مقابل فلسطینی ها تقویت می نماید».

بیل کلینتون در جریان سفر خود به خاور میانه و قبل از بازدید از کویت به دمشق رفت و با حافظ اسد، رئیس جمهور این کشور مذاکره نمود. ایالات متحده و اسرائیل مصمم هستند که با ترغیب سوریه و لبنان به پیوستن به مصر و اردن و ساف در امضای قراردادهای ترک مخاصمه و صلح طرح استراتژیک خود در مورد آینده منطقه را بازگشت ناپذیر نمایند.

رئیس جمهور آمریکا نصدیق کرد که حصول توافق با سوریه «کلید دستیابی به یک صلح همه جانبه» در منطقه است. او گفت: «تا هنگامی که توافق صلح بین اسرائیل و سوریه و اسرائیل و لبنان بدست نیامده است، کارما انجام نشده است و ما آرام نخواهیم نشست». حافظ اسد در ملاقات ۵ آبان خود به رئیس جمهور آمریکا گفت که سوریه حاضر به مذاکره در مورد قرارداد صلح با اسرائیل است ولی باید اراضی تصاحب شده در جریان جنگ های خاور میانه پس داده شود. او صراحتا گفت که سوریه در طلب «عقب نشیتی کامل در مقابل صلح کامل می باشد».

الجزایر

بنا به اظهارات مقامات رسمی نظامی در پاریس، الجزایر در آستانه یک جنگ داخلی قرار گرفته است. به گفته این مقامات زد و خورد در برخی از مناطق کشور از دوران مبارزه برای بیرون راندن امپریالیسم فرانسه و کسب استقلال الجزایر خیلی تر و شدیدتر است. یک مقام عالیرتبه اطلاعاتی فرانسه اخیرا اظهار داشته است که ارتش در مناطقی از کشور امکان حضور ندارد و چریک های واپسی به گروه های بنیادگرای اسلامی بیشتر جاده های کشور را تحت کنترل داشته و عملای مسافت را در اکثر مواقع، غیر ممکن نموده اند. گزارش های اطلاعاتی فرانسه حاکیست که سوریان بنیادگرا که سلح به سلاح های دستی، خمپاره و سلاح های ضد تانک می باشند در دسته های حدود ۱۰۰ نفره عمل می کنند. مقامات رسمی الجزایر نصدیق می کنند که در برخوردهای ۳۲ ماه گذشته تقریبا ۱۰۰۰۰ نفر کشته شده اند ولی مقامات فرانسوی معتقدند که رقم واقعی تلفات خیلی بیشتر است. این درگیری ها زمانی شروع شد که ارتش برای جلو گیری از پیروزی بنیادگرایان جبهه نجات اسلامی نتایج انتخابات این کشور را ملتفی نمود. پیروزی کارزار انتخاباتی جبهه نجات اسلامی که محصول بهره گیری بنیادگرایان از نارضایی توده ای از رشد بیکاری، فساد دولتی و ایجاد یک شبکه وسیع و موفق نهادهای خیریه اسلامی در مناطق فقیر نشین بود، از همان آغاز تهدیدی علیه آزادی بیان، حقوق زنان و مدرنسی تلقی می گردید.



دولت، ۱۹۴ نفر به مخالفت با دولت، ۵۴ نماینده به حمایت دولت و ۵۵ نماینده رای ممتنع دادند. رهبر حزب کمونیست، گنادی زیوگانف گفت: «این دولت قادر نیست هیچ عمل مشتبی برای روسیه انجام دهد و باید دولت و رئیس جمهور را عوض کیم».

خاور میانه

با امضای قرارداد صلح بین اسرائیل و اردن در جریان مسافت بیل کلینتون رئیس جمهور آمریکا به منطقه، ساختار مورد نظر سیاست «نظم نوین جهانی» امپریالیسم در خاور میانه مشخص تر گردید. در حالیکه فشار اسرائیل و ایالات متحده بر سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) برای دادن امیازهای بیشتری شدت می گیرد، مصر و اردن بطور واضح نقش فعال تری را در شکل دادن به آینده فلسطین اشغالی بعده می گیرند. بیل کلینتون در ملاقات خود با رئیس جمهور مصر و رهبر ساف که در قاهره صورت پذیرفت تلویحا از فشار اسرائیل به عرفات برای مجبور کردن او به اقدام عملی علیه بنیادگرایان اسلامی گروه «حماس» حمایت کرد. او پس از دیدار خود گفت: «عرفات به خوبی نیاز به خاتمه دادن به فعالیت های تروریستی حماس را درک می کند». او هم چنین اضافه کرد: «وقی که شما به پرسوه صلح پوستید باید با تروریسم که در صدد نابود کردن آنست مخالفت نمایید». اردن از یاسر عرفات برای شرکت در مراسم امضای قرارداد صلح که بیش از ۵ هزار نفر از نمایندگان عالیرتبه سیاسی دیپلماتیک کشورهای جهان در آن حضور داشتند، دعوت رسمی ننمود و لذا عرفات در این مراسم غائب بود. این امر معنی واضح تری بخود می گیرد بویزه اگر در نظر گرفته شود که قرارداد صلح بین اردن و اسرائیل نقش متولی امکان مقدس در اورشیم را به ملک حسین می سارد. رهبران فلسطینی تاکید دارند که اجازه نمی دهند به هیچوجه حق آنان بر کنترل اورشیم زیر علامت سوال بروند. یاسر عرفات گفت: «اورشیم پایتخت دولت فلسطین است، چه آن ها بخواهند و چه نخواهند».

رهبری ساف آن بخش از قرارداد صلح بین اردن و اسرائیل را که به مکان های مقدس در اورشیم مربوط می شود، محصول کوششی ملک حسین برای تامین نفوذ خود بر کرانه غربی رود اردن می داند. اردن که نیمی از جمیعت فلسطینی الاصل است از تشكیل یک دولت مستقل فلسطینی در کرانه غربی و نوار غزه

روسیه

در ۵ آبان بیش از ۳ میلیون کارگر روس در وسیع ترین اقدام اعتراضی به دولت روسیه از زمان سقوط اتحاد شوروی در خیابان های سراسر روسیه به نظاهرات پرداختند. کارگران نظاهر کننده به شرایط اسناد اقتصادی و عدم پرداخت حقوق معموق خود اعتراض داشتند و خواستار بهبود شرایط کار بودند.

سردبیر نشریه سندیکایی روسیه به نام «همبستگی» که در یک گردنهای ۲۰۰۰۰ نفری در مسکو سخن می گفت اظهار داشت: «مردم با دیدگاه های سیاسی مختلف گرد آمده اند تا خواسته های مشترک خود را ابراز کنند. ما از دولت می خواهیم که در مورد حقوق های این حقوق این مانده اقدام کند و نیز قدم هایی در بهت جلوگیری از شروع بیکاری توده ای بردارد». بدھی دولت به کارگران بخش دولتی، فقط از بابت حقوق های نشده ماه های اخیر، به ۴/۲ تریلیون روبل بالغ شده است. حدودا ۲۰٪ موسات روسیه ورشکست شده اند و حدود ۱۲ میلیون کارگر یا بیکار هستند و یا در مرخصی طولانی مدت بدون حقوق بسر می برند. استقبال چشمگیر زحمتکشان روسیه از این حرکت اعتراضی که از ساخالین تا سنت پترزبورگ در همه شهرها صورت پذیرفت خود انعکاسی از وضعیت اسناد اقتصادی کشور می باشد. رهبران فدراسیون اتحادیه های کارگری مستقل روسیه که ۵۹ میلیون عضو دارد در کنفرانس مطبوعاتی ای در عصر روز اعتراض کارگران گفتند که این اقدام اعتراضی یک موقفیت بزرگ بوده است.

سختگویی فدراسیون اتحادیه های کارگری مستقل، کساندرو شوبین گفت: «ما دولت را از وضعیت اسناد اتحادیه کارگران روسیه و نیاز به یک تغییر جهت اوضاع آگاه کرده ایم. ما به اثبات رسانده ایم که این قدرت را داریم که اعضا میان را در حرکات مسئولانه هدایت کنیم و خواسته های آنان را بطرقی جدی در روی میز بگذاریم. اگر پاسخ مشتبی نیشیم ما دوباره این را تکرار خواهیم کرد». از سوی اتحادیه های کارگری کشورهای مختلف جهان ۶۰ پیام همیستگی با مبارزات اتحادیه های کارگری روسیه به برگزاری موفق این اعتراض توده ای که دولت را در وضعیت بسیار مشکلی قرار داده است، اعتبار جنیش سندیکایی روسیه را صد چندان نمود.

در همین روز مخالفان دولت بوریس یلتسین در پارلمان به ابتکار نمایندگان کمونیست در صدد تصویب رای عدم اعتماد به دولت بودند که با حرکات سراسریه وار رئیس جمهور خشی گردید. مخالفان دولت بر پایه وضعیت اسناد اقتصادی کشور و عواقب آن برای مردم، در تقابل با برنامه اقتصادی نخست وزیر ویکتور چرنومیرین که عمل در جهت سرعت بخشیدن به اصلاحات سرمایه داری و گسترش مکانیزم بازاری می باشد خواستار رای عدم اعتماد گردیدند. درست ساعتی قبل از رای گیری دفتر رئیس جمهور با برگماری یک وزیر کشاورزی جدید که عضو حزب دهقانی است، توانست رضایت این حزب را در خودداری از پیوستن به نمایندگان خواستار رای عدم اعتماد، جلب نمایندگان. در گذشته حزب دهقانی در اکثر اقدامات اعتراضی از موضع حزب کمونیست حمایت می نمود. در رای گیری برای عدم اعتماد به

مهاجرت وسیع روستاییان به شهرها همچنان ادامه دارد!

توسعه اقتصادی و اجتماعی بین نقاط شهری و روستایی و بالاخره کنترل مهاجرت های بی رویه ساکنین روستا به شهرها نقش موثری ایفا خواهد کرد»!!!

اما، اشتباخ خواهد بود اگر تصور شود که ایفای این «نقش موثر» نیاز از همین فردا شروع خواهد شد، زیرا بنا به گفته مهندس رحیمی، «این معاونت در صورت تصویب اعتبارات پیش بینی شده در برنامه پنجساله دوم توسعه اقتصادی»، تازه «۱۵۰ منطقه روستایی کشور را مورد مطالعه قرار خواهد داد». و برای این منظور نیز «اعتباری بالغ بر ۷۵۰۰ میلیون ریال مورد نیاز است» که آنهم معلوم نیست با وجود ورشکستگی اقتصادی دولت، از کجا باید تامین شود!

امروز برای همه زحمتکشان میهن ما روشن شده است که این شعبده بازی های سردمداران رژیم، جز خاک پاشیدن در چشم مردم جان به لب رسیده میهن و بازداشتمن آنها از مبارزه قاطع عليه کسانی که به انقلاب بزرگشان خیانت کرده اند، هدفی را دنبال نمی کند. خیزش های گسترده توده های مردم در سراسر ایران، که نیروی عده آن را همین زحمتکشان مهاجر ساکن شهرها تشکیل می دهند، خود گواهی بر این واقعیت است که عمر اینگونه شعبده بازی ها دیگر به پایان رسیده است و مردم زحمتکش ایران به سرعت خود را برای طرد رژیمی که آنها را از ابتدایی ترین حقوق انسانی، اقتصادی و اجتماعی محروم کرده است آماده می کنند.

اجتماعی قرار می دهد و می گوید: «مهمنتین راه حل در این زمینه، ایجاد و توسعه صنایع روستایی و گسترش فعالیت های مولده غیر کشاورزی» در روستاهای است که «باید مورد توجه خاص برنامه ریزان کشور قرار گیرد»!

باید از «مدیر کل طرح های صنعتی و بهره برداری معاونت عمران و صنایع روستایی و زیربنایی» پرسید: دولت اگر در طی ۱۵ سال گذشته هیچیک از این مشکلات عدیده روستاهای را حل نکرده است، پس چه کرده است؟ مگر خود شما یکی از همین «برنامه ریزان کشور» و از مسئولان اصلی «ایجاد و توسعه صنایع روستایی» نیستید؟ چگونه است که پس از گذشت ۱۵ سال از گسترش فقر در روستاهای مهاجرت روزافزون روستاییان به شهرها، تازه به فکر بدل «توجه خاص» به این مسائل افتاده اید؟ پس آن همه «خدمات» و «امکانات زیربنایی» که در موردهشان سخن می گوید و مدعی هستید روستاییان «علی رغم» آنها دست به مهاجرت می زنند، چه شد؟

مدیر کل وزارت جهاد سازندگی رژیم، چون تاکنون برای روستاییان کشور کاری نکرده است، ناچار است از مسئولان رژیم گذشته تقليد کند و از آنچه که «خواهد کرد» سخن بگوید. وی می گوید: «در این راستا معاونت عمران و صنایع روستایی وزارت جهاد سازندگی در تحقق اهدافی مانند متنوع ساختن اقتصاد روستایی و افزایش درآمد روستاییان، ایجاد فرصت های جدید شغلی در روستاهای کاهش نابرابری در

مهندس یدالله رحیمی، مدیر کل طرح های صنعتی و بهره برداری معاونت عمران و صنایع روستایی وزارت جهاد سازندگی رژیم، اخیرا در گفتگویی با خبرنگاران خبرگزاری جمهوری اسلامی اقرار کرد که «علی رغم اراده خدمات و فراهم نمودن امکانات زیربنایی برای محرومیت زدایی از روستاهای، مهاجرت روستاییان به شهرها همچنان ادامه دارد».

نکته قابل توجه در این گفته مهندس رحیمی، نه اقرار او به ادامه مهاجرت روستاییان به شهرها که امروز همه از آن مطلعند، بلکه تأکید وی بر این نکته است که این مهاجرت «علی رغم اراده خدمات و فراهم نمودن امکانات زیربنایی» در روستاهای، انجام می گیرد! اما، سیاهه دلایلی که مهندس رحیمی برای توضیح مهاجرت روستاییان اراده می دهد، خود گویای درجه ورشکستگی دولت در امر «فراهم نمودن امکانات زیربنایی» در روستاهای کشور است.

مهندس رحیمی علی مهاجرت روستاییان به شهرها را این چنین بر می شمرد: «رشد روزافزون جمعیت در مناطق روستایی، اختلاف آشکار در سطح درآمد و رفاه نسبی ... فرصت های شغلی و نیز ... امکانات بین نقاط شهری و روستایی، تمرکز فعالیت های اقتصادی در محدوده شهرها، محدودیت منابع آب و خاک، رواج فعالیت های کشاورزی با بازده پایین»، و بالاخره «وجود بیکاری های فصلی در روستاهای». جناب مدیر کل طرح های صنعتی، سپس با فخر بسیار خود را در جایگاه یک منتقد

خبر اخبار زحمتکشان

دفاع نماینده ورامین از کارگران و قانون کار

مهندس قمی، نماینده ورامین در مجلس، در یک گرد همایی کارگران این شهرستان، حمایت خود را از قانون کار اعلام کرد و خواستار اجرای کامل آن شد. وی در سخنان خود از جمله گفت: «امروز عده ای از سرمایه داران بی درد با قانون کار مخالف هستند و در صدد تغییر این قانون هستند». مهندس قمی ضمن اظهار امیدواری نسبت به مخالفت نماینده گان مجلس با هرگونه تغییر این قانون، خطاب به دولت گفت: «همه باید پشتیبان افسار آسیب پذیر باشیم و نگذاریم آسیبی به آنان برسد، چون تنها حامیان انقلاب ... همین پاره هنرها هستند». وی در ادامه سخنان خود، به فشار اقتصادی که بر کارگران و زحمتکشان میهن ما وارد می شود اشاره کرد و گفت: «در حال حاضر همه چیز با ارز شناور و آزاد محاسبه می شود، ولی حقوق کارگران عزیز ما و کارمندان با ارز دولتی پرداخت می شود که فاصله حقوق و هزینه زندگی بسیار زیاد است». به گفته وی، «در وزارت دارایی قبل از این که کارگر حقوق بگیرد، مالیات آن را کسر می کنند، در صورتی که خیلی از سرمایه داران به بهانه های مختلف از دادن مالیات فرار می کنند».

بلاتکلیفی ۱۷۰ دانش آموز مقطع «راهنمایی» در گچساران

تعطیلی سه مدرسه راهنمایی در سه روستای بخش «باست» شهرستان گچساران، بیش از ۱۷۰ دانش آموز پسر و دختر را در بلاتکلیفی قرار داده است. فریز علمی، رئیس اداره آموزش و پرورش بخش «باست»، علت تعطیلی این مدارس را «به حد نصاب نرسیدن تعداد دانش آموزان» اعلام کرد. وی گفت «شرایط راه اندازی هر مدرسه راهنمایی ... وجود ۷۵ دانش آموز» است، و چون «تعداد دانش آموزان این مدارس هر کدام بین ۵۰ الی ۶۰ نفر» بوده است، این مدارس تعطیل شده اند!

بدین ترتیب، فرزندان مردم زحمتکش سه روستای «ده بزرگ»، «ناز نگون» و «نارگ موسی» واقع در بخش «باست»، که با جمعیتی بالغ بر ۳۰ هزار نفر، از محروم ترین نقاط استان کهکیلویه و بویراحمد به شمار می رود، صرفاً به خاطر «کافی نبودن تعدادشان»، از حق تحصیل محروم شده اند. و این در حالی است که مسئولان خرد و کلان رژیم، هر روز درباره «پیشرفت نهضت سواد آموزی» در سطح کشور و ضرورت تکیه بر «آموزش زحمتکشان» لاف های گراف می زنند!

پیرامون رشد نبومی تورم، افت جدی قدرت خرد مردم، ضریبه دیدن صنایع تولیدی کشور و افزایش تعداد بیکاران اظهار نگرانی کرد... یکسان سازی نرخ ارز... بدون هیچگونه برنامه مشخص برای محدود کردن اثرات مخرب آن، بی شک اثرات فاجعه باری در اقتصاد کشور باقی خواهد گذاشت..." ("نامه مردم"، شماره ۳۹۳، ۱۳ بهمن ۱۳۷۱).

اگر قرار بود در ایران کسی را بخاطر این فاجعه
محاکمه کنند، نخستین افرادی که می‌باشند بدست
قانون سپرده شوند، کسانی جز خود رفمنجانی،
مشاوران اقتصادی و بازاریان غارتگری مانند
خاموشی، سوگر اولادی و ... نیستند.

روند تشیدگانی و رشد روز افزون قیمت
ها، از آجاییکه مستقیماً به سیاست های اتخاذ شده از
سوی دولت رفسبجانی و دیدگاه های نظری حاکمیت از
جمله: "اقتصاد باز"، "ورود بدون کنترل و بی روبی
کلاً"، حراج منابع مالی و تولیدی کشور زیر لوای
سپردن کار مردم به مردم" و مهمتر از همه تامین
خواست ها و سیاست های صندوق بین المللی پول و
بانک جهانی، که رفسبجانی و شرکایش، کاسه گدایی
جلویشان دراز کرده اند، وابسته است، نمی توان
انتظار هیچگونه تغیر و بهبودی را در اوضاع داشت و
این حرکات و مانورها تهبا به منظور اجرای برنامه های
تبیغاتی رژیم برای منحرف کردن افکار عمومی
سازماندهی می شود. دستگیری و جمع آوری دلال های
جزء از کار خیابان ها و حتی دستگیری چند بازارگان نه
تهبا معرض بحران اقتصادی را حل نخواهد کرد، بلکه
حتی می تواند به کمیاب شدن اجناس و گرانی بیشتر
کالاهای مورد نیاز مردم منجر گردد. شرکت مستقیم
وزارت اطلاعات رژیم در این روند، برگزاری اجلاس
شورای امنیت ملی با حضور وزیر کشور در هفته های
گذشته و برگزاری مانورهای امنیتی در تهران و برخی
شهرستان ها، نشانگر نگرانی شدید رژیم از بروز
اعتراض های مردمی علیه فشارهای اقتصادی -
اجتماعی است که هر روز تشیدگی می گردد.

این رژیم ضد مردمی و ایران بر باد ده ابرام شده است... " تاکید از ماست).

چنین سیاست و برنامه هایی، بیش از هر چیز از تنگ تر و دشوار تر شدن شرایط برای ادامه حیات رئیس حکایت می کند و این اقدام ها عملکرد حکومتی است که خود را به شکل جدی با خطر مواجه دیده و از دست زدن به هر وسیله، طرفند و خدمعه ای، برای تغییر اوضاع به نفع خود استفاده می کند.

نکته قابل توجه اینکه، مشابه چنین اعمالی نیز در سال های پایانی حیات سلطنت در ایران از طریق راه انداختن دسته و گروه، و اقدام های مشابه دیگر تجربه گردید و مانورها - حزب سازی های مشابه تا به امروز همواره با شکست روپرتو گردیده است. ما اطمینان داریم که با هوشیاری نیروهای سیاسی و عکس العمل سریع و منطقی آنها این ترفند رذیلانه رژیم نیز با شکست مقتضحانه ای روپرتو خواهد شد.

سطح زندگی مردم است. سیاست هایی که عمدۀ ترین مهدف تامین منافع سرمایه داران بزرگ، تجار بزرگ بازار و رهبران جمهوری اسلامی و نزدیکان آنان است که عمدۀ ترین اهمیت های اقتصادی کشور را کنترل می کنند. رفتگانی طی همین محنّن اعتراف جالبی در این زمینه می کند و می گوید: "یک بار در دوران جنگ دولت به فکر افتاد جلو زورگوی عده ای از عوامل مخبر در بازار را بگیرد. یک قانونی با اجازه امام تصویب شد ... اما در این زمینه موقعیت خوبی به دست نیاورد. ما بررسی کردیم دو نقطه ضعف وجود داشت: یکی کمبود کالا و دیگری عدم پذیرش جامعه (خوان) بازاریان و روحانی نهادهای فرهی شده از غارت مردم) وقتی آن قانون به مرحله اجراء درآمد اولین بار علمای و روحانیت نسبت به آن اعتراض داشتند..." (همانجا).

واقیعت نیز جز این نیست، سران جمهوری اسلامی و از جمله شخص رفستجانی که از طریق غارت مردم ایران به میلارڈ ها دلار ثروت رسیده اند، و از طرق گوناگون ده ها شرکت وارداتی، تولیدی و توزیع کننده کالا را کنترل می کنند، نه تنها حاضر نیستند کوچکترین قدمی در راه حل دشواری های مردم در این زمینه بردازند، بلکه اگر عملکرد سابق این افراد ملاک قضایوت ما باشد، باری اضافه نیز بر دوش مردم زحمتکش خواهد ازورد. روزنامه "جمهوری اسلامی" (شماره، ۱۷ مهرماه) در این رابطه نوشت: در نخستین روز مبارزه دولت با گرانی، یهای کالاها بین ۱۰ تا ۷۰٪ افزایش یافت. به نوشته این روزنامه یهای قند به کیلویی ۲۳۰ تومان، مرغ ۲۹۵ تومان، گوشت گوساله ۶۰۰ تومان، گوشت گوسفند ۵۰۰ تومان و برنج میان ۱۱۰ تا ۳۰۰ تومان افزایش یافت. یکی از عمدۀ ترین علل افزایش ناگهانی قیمت ها، سیاست هایی است که اتفاقاً هاشمی رفستجانی در پودجۀ سال ۱۳۷۱، گنجانده بود، و آن را به عنوان نقطعه عطفی در جمهوری اسلامی ارزیابی کرد. ما با آگاهی به اثرات شوم سیاست های اتخاذ شده از سوی دولت در همان هنگام نوشتیم: "... باید به شدت

بعضی مراکر تولید شوند... "(کیهان هوایی، ۲۰ مهر ۱۳۷۳).

در پی این سخنرانی، دولت تدبیر مشخصی را

در بی این سخنرانی، دولت تدبیر مشخصی را برای مقابله با گرافروشی و مقابله با فروشن غیر قانونی ارز اعلام کرد و روزنامه "اطلاعات" (شماره ۲ آبان ماه) خبر داد: در ۴۸ ساعت اخیر، ۱۰۸ دلار ارز در تهران دستگیر شدند و نیم میلیون دلار ارز از آنان بدست آمد.^۱ بر اساس گزارش این روزنامه علی رغم تلاش های دولت، بازار ارز با نوسانات شدیدی روپرتو بوده است و "بهای دلار بالاتر از ۲۸۰ تومان، پوند انگلیس ۴۴۱ تومان، مارک آلمان ۱۸۵ تومان و فرانک فرانسه ۵۱ تومان معامله می شد...".^۲ خبرگزاری های رسمی جمهوری اسلامی نیز در چند روز گذشته خبر مصادره اجنب انبیارهای ده ها بازرگان و اجنبیان گرافروشان در تهران و شهرستان ها را مخابره کردند و علی فلاجان، وزیر اطلاعات و امنیت حکومت اسلامی در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد: "وزارت اطلاعات اقدام هایی را برای مبارزه با گرافروشی انجام داده است و برای یافتن انبیارهای بزرگ کالا کوشش به عمل می آورد... شماری از انبیارها کشف و ضبط شده است و محموله یک کشتی به ارزش یک میلیارد تومان در آبادان توقیف شده است...".

این نخستین باری نیست که سران رژیم چنین
وعده های پرسو صدایی برای مبارزه با گگارفوشی
و گگارفوشان را به مردم می دهند. در ده سال
گذشته، سران جمهوری اسلامی از خمینی تا
رفسنجانی و عده های سرخمن کنترل قیمت ها را داده
اند و هر سال قیمت ها حداقل به میزان $\frac{1}{3} - \frac{2}{20}$
افزایش یافته است و این در حالی است که در آمد
واقعی مردم کاهش یافته است. واقعیت این است که
سیاست های اتخاذ شده از سوی رژیم جمهوری
اسلام، مهمت نیست. عاماً رشد شتابان قیمت ها و تبنی

توطئه جدید رژیم ...

سیاست سرکوبگرانه رژیم ابعاد گوناگون و بغرنجی برخوردار است که هشیاری و بیداری جدی نیزوهای متفرق و دموکراتیک را طلب می کند. برای رژیم احزاب آپوزیسیونی "که در انتهای مبلغ حفظ جمهوری اسلامی و ساختار ارتقایی و فرون وسطایی" ولایت فقیه "زیر هر لوایی حتی" مارکسیستی - انقلابی، باشد نه تنها هیچ خطری ندارد، بلکه این خاصیت را نیز دارد که به نظام کنونی که حتی به اعتراف سران آن دیگر مشروعیتی نزد مردم ندارد، قانونیت بخشیده و آمال و اهداف توده های زجر دیده و محروم را به قربانگاه ارتقای حاکم می بردند... "(نامه مردم شهادت، ۲۲ شهریور ۱۳۷۳).

این نه تنها پیش بینی حزب ما، بلکه امری در حال وقوع و تدارکاتی در حال انجام است خیلی زود وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی گامهای عملی بعدی را در راه اجرای این برنامه وسیع علیه نیروهای مترقبی و اپوزیسیون در تهران به مرحله اجراء درآورد.

متن کامل

نامه سوگشاده ۱۳۳ نویسنده

حاصل آن که:

حضور جمعی ما خاصمن استقلال فردی ماست، و اندیشه و عمل خصوصی هر فرد ربطی به جمع نویسنده‌گان ندارد، این یعنی نگرش دموکراتیک به یک تشکل صنفی مستقل. پس اگرچه توضیح واضحات است، باز می‌گوییم: ما نویسنده ایم ما را نویسنده بینید و حضور جمعی ما را حضور صنفی نویسنده‌گان بشناسید.

همان امضا کنندگان است. بدیهی است که حق تحلیل و تفسیر هر نوشته برای همگان محفوظ است و نقد آثار نویسنده‌گان لازمه اعتلای فرهنگ ملی است، اما تجسس در زندگی خصوصی نویسنده به بهانه نقد آثارش، تجاوز به حریم اosten و محکوم شناختن او به دستاویزهای اخلاقی و عقیدتی خلاف دموکراسی و شون نویسنده‌گی است و همچنانکه دفاع از حقوق انسانی و مدنی هر نویسنده نیز در هر شرایطی وظیفه صنفی نویسنده‌گان است.

منوچهر آتشی، امیر حسین آریان پور، داریوش آشوری، شهین احمدی، مسعود احمدی، شیوا ارجمندی، حسن اصغری، محمد رضا اصلانی، جهانگیر افکاری، اصغر الهی، مفتون امینی، سید عبدالله انوار، منصور اوجی، پرویز بابایی، علی باباچاهی، محمد رضا باطنی، رضا براہنی، شاپور بنیاد، محمد بهارلو، سیمین بهمانی، میهن بهرامی، محمد بیانی، بیژن بیجاری، بهرام بیضایی، شهرنوش پارسی پور، روئین پاکباز، باقر پرهاشم، حسن پستا، علی رضا پنجه‌ای، احمد پوری، حسن پویان، محمد پوینده، چنگیز پهلوان، بهروز تاجور، احمد تدین، گلی ترقی، فخر تمیمی، علیرضا جباری، کامران جمالی، هاشم جوادزاده، محمد جواهر کلام، شاپور جورکش، رضا جولایی، جاحد جهانشاهی، رضا چایچی، امیر حسین چهل تن، هوشنگ حسامی، غفار حسینی، خسرو حمزی تهرانی، ضیاء الدین خالقی، محمد تقی خاوری، علی اصغر خبره زاده، ابوتراب خسروی، محمد رضا خسروی، عظیم خلیلی، محمد خلیلی، سیمین دانشور، علی اشرف درویشیان، محمود دولت آبادی، خشایار دیهیمی، اکبر رادی، مرتضی راوندی، فریبرز رئیس دانا، نصرت رحمانی، منیرو روانی پور، قاسم روین، اسماعیل رها، ابراهیم رهبر، عباس زرباب خوبی، کاظم سادات اشکوری، فرشته ساری، غلامحسین سالمی، محمد علی سپانلو، جلال ستاری، فرج سرکوهی، علیرضا سیف الدینی، احمد شاملو، محمد شریفی، محمد تقی صالح پور، ساناز صحنه، عبدالرحمن صدریه، عمران صلاحی، فرزانه طاهری، مسعود طرفان، هوشنگ عاشورزاده، شیرین عبادی، عبدالعلی عظیمی، مشیت علایی، غزاله علیزاده، مهدی غیرایی، هادی غیرایی، سودابه فضایی، محمد قاضی، مهدی قربی، آزیتا قهرمان، مهرانگیز کار، مدیا کاشیگر، منوچهر کریم زاده، بیژن کلکی، سیما کوبان، عبدالله کوثری، جعفر کوش آبادی، منصور کوشان، لیلی گلستان، هوشنگ گلشیری، شهلا لاهیجی، شمس لنگرودی، جواد مجابی، محمد محمد علی، احمد محمود، عباس مخبر، محمد مختاری، حمید مصدق، محمود معتقدی، علی معصومی، شهاب مقربین، شهریار مندلی پور، کیومرث منشی زاده، الهام مهریزدانی، جمال میرصادقی، احمد میر علایی، محسن میهن دوست، کیوان نریمانی، غلامحسین نصیری پور، نازنین نظام شهیدی، جمشید نوابی، سیروس نیرو، صفورا نیری، محمد وجودانی، اسماعیل همتی، کورش همه خانی، حمید یزدان پناه، ابراهیم یونسی.

هنگامی که مقابله با موانع نوشتن و اندیشیدن از توان و امکان فردی ما فراتر می‌رود، ناچاریم به صورت جمعی - صنفی با آن روبرو شویم، یعنی برای تحقق آزادی اندیشه و بیان و نشر و مبارزه با سانسور به شکل جمعی بکوشیم، به همین دلیل معتقدیم:

حضور جمعی ما، با هدف تشکل صنفی نویسنده‌گان ایران متضمن استقلال فردی ماست، زیرا نویسنده در چگونگی خلق اثر، نقد و تحلیل آثار دیگران، و بیان معتقدات خویش باید آزاد باشد. هماهنگی و همراهی او در مسائل مشترک اهل قلم به معنای مسئولیت او در برابر مسائل فردی ایشان نیست. همچنان که مسئولیت اعمال و افکار شخصی یا سیاسی یا اجتماعی هر فرد بر عهده خود است. با اینهمه، غالباً نویسنده را نه به عنوان نویسنده، بلکه به ازای نسبت های فرضی یا وابستگی های محتمل به احزاب و گروه های جناح ها می شناسند و بر این اساس درباره او داوری می کنند. در نتیجه حضور جمعی نویسنده‌گان در یک تشکل صنفی - فرهنگی نیز در عداد احزاب یا گرایش های سیاسی قلمداد می شود.

دولت ها و نهادها و گروه های وابسته به آن ها نیز بنا به عادت، اثر نویسنده را به اقتضای سیاست و مصلحت روز می سنجند و با تفسیرهای دلبخواه حضور جمعی نویسنده‌گان را به گرایش های ویژه سیاسی یا توطئه های داخل و خارج نسبت می دهند. حتی بعضی افراد، نهادها و گروه های وابسته، همان تفسیرها و تعبیرهای خود ساخته را مبنای اهانت و تحریر و تهدید می کنند.

از این رو تأکید می کنیم که هدف اصلی ما از میان برداشتن موانع راه آزادی اندیشه و بیان و نشر است و هرگونه تعبیر دیگری از این هدف، نادرست است و مسئول آن صاحب همان تعبیر است.

مسئولیت هر نوشته ای با همان کسی است که آن را آزادانه می نویسد و امضا می کند. پس مسئولیت آنچه در داخل یا خارج از کشور به امضا دیگران، در موافقت یا مخالفت با ما نویسنده‌گان ایران منتشر می شود، فقط بر عهده

کمک مالی رسیده:

دکتر از انگلیس ۵۰ پوند

NAMEH MARDOM: No: 440
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

8 November 1994

Address : Postfach 100644 ,
10566 Berlin, Germany

شماره فاکس ما ۰۰-۴۹-۳۰-۲۲۴۱۶۲۷

نامه

مردوم